

## گزارشی تکان دهنده از شرکت آیدین (داداش برادر)

شایان بهرنگ

سوم مهرماه هشتاد و شش

### شرکت شکلات سازی آیدین

این شرکت در آذربایجان شرقی شهر تبریز است و دارای دو شعبه است، یک شعبه اش در جاده تبریز به تهران سعید آباد و شعبه دیگرش در جاده تبریز به ارومیه جنب تراکتورسازی به نام شعبه رواسان می باشد و صاحبان شرکت پرویز بیوک و رسول بیوک هستند.

گزارشی که می خوانید از شعبه رواسان است. ما اطلاعاتی جسته و گریخته از اتفاقات داخلی شرکت شنیده بودیم. فقط در حد شنیدن، ولی موقعیتی در سایه زحمات فعالین کارگری و اعلام حمایت از کارگران پیش آمد که ما با شاهدان عینی و کسانی که در گود بودند گفتگویی دوستانه داشته باشیم و آن را به صورت یک گزارش ارائه نماییم. زمانی که من به عنوان گزارشگر به فرد مورد نظر مراجعه کردم و خواهان ارائه اطلاعاتی در مورد اتفاقات و تضییع حقوق حقه کارگران و مظلومی که در حق آنها اعمال می شود شدم، ابتدا از دادن اطلاعات خودداری کرد و گفت من هیچ حرفی برای گفتن ندارم. ترس از لو رفتن اطلاعات و رسیدن به گوش صاحبان و مدیر داخلی شرکت تمام وجودش را فرا گرفته بود. ولی پس از نیم ساعت گفتگو و حصول اطمینان قفل زبانش باز شد به حدی که می خواست خودش را معرفی کند، گفتم ضرورتی ندارد.

### از کارخانه تعریف کن

نمیدانم از کجا شروع کنم از سختی کار بگویم؟ از اخراجها بگویم؟ از حقوق پایمال شده یا از زورگوییها؟

### از سختی کار بگو

کار شرکت سه شیفته و هر شیفته یک سرکارگر دارد از زمانی که شیفته شروع می شود ما سر دستگاہها که می رویم به اجبار باید ۸ ساعت سر پا بایستیم در حالیکه می شود حد اقل یک چهار پایه چوبی گذاشت و رویش نشست و کار را به نحو احسن انجام داد اما از بس که برای کارگر هیچ ارزشی قائل نیستند و به او به چشم برده نگاه می کنند و کارگر را بی ارزش و سرمایه را همه چیز می دانند، اجازه نشستن نمی دهند و ادعا می کنند که اگر کارگر احساس راحتی کند افکارش عوض می شود لذا کارگر باید زجر بکشد. طبق کدام اصل؟ نمی دانم. به علت این سرپا ایستادهای مداوم و غیر ضروری و به صرف آزار و اذیت ۷۰٪ کارگران به بیماری های مختلف از جمله واریس پا و ساییدگی مهره های کمر و کمر درد و واریکوسل و فتق مبتلا شده اند. کمی تعداد کارگران نسبت به میزان کارهای محوله باعث فشار مضاعف بردوش کارگران و همچنین آزار و اذیت های فراوان بخشی از سختی کار است.

آیا شما(کارگران) هیچ گونه اعتراضی به این وضعیت نمی کنید؟

چرا، ولی با توجه به قوانین ضد کارگری و الویت در حفظ امنیت سرمایه نه تنها اهمیت نمی دهند بلکه با تشدید جو

پلیسی و گسترش عدم امنیت شغلی وضعیت را بدتر و سخت تر می کنند . مثلاً" یکی از کارگرا به نام امیر زارعی مدتی پیش که دو هفته بود سر کار می آمد به وضعیت موجود اعتراض کرد و به دلیل اعتراض کردن اخراج شد. و بقیه هم از ترس اخراج و بیکار شدن حرفی نمی زنند.

به نظر شما برای اینکه اخراج نشد. هر ذلتی را باید تحمل کرد؟

بله درسته نباید اینجوری باشد. ولی چاره نیست باید تحمل کرد. در همین حال باید برای ایجاد اتحاد و بدست آوردن حقوق مبارزه کرد.

بعد از اخراج امیر زارعی، مدیر داخلی شرکت ناصر پور رسول همه کارگرا را تهدید کرد که می توانیم همه شما را اخراج کنیم و اینقدر جوان دیپلم و لیسانس هست که به جای شما استخدام کنیم .

ولی میدونیدکه اینها فقط تهدید بوده و این کارشده نیست که همه نیروهای آموزش دیده را که برای تربیت و آموزش آنها مدت مدیدی زمان لازم است اخراج کنند و در یک لحظه به جای آنها نیروهای آموزش ندیده استخدام کنند. به هر حال هرکس به جای شما بیاید حق و حقوق میخواد و امنیت و ایمنی و حرمت انسانی می خواهد یا اینطور نیست؟ بله همینطوره. ولی خوب همه این را نمی دانند و برحق و حقوقشان واقف نیستند.

فقط امیر زارعی را اخراج کردند؟

نه خیر، یکی دیگر از کارگران به نام احمد رسولی که مدت ۱۲ سال سابقه کار داشت و در این مدت طولانی زور گویبها و سختی کار طاقت فرسا و بیعدالتی ها را تحمل کرده بود اعتراض کرد و با مدیران داخلی شرکت علی مجلسی و ناصر پور رسول (که خونخوار و ضد کارگر لقب گرفته) درگیر و تقریباً اواسط شهریور اخراج شد و به بقیه کارگرا هم گفتند که اگر شما هم اعتراض بکنید فایده ای ندارد چون همه چیز دست خودمان است و همه جا آدم داریم.

یعنی کجا آدم دارند؟

نمی دانم باید از خودش بپرسید

آیا شما در مقابل این همه ظلم و ستمی که در حق شما روا می دارند جایی رفتید و شکایت کردید؟ حرفتان را به گوش مسئولین رساندید؟

مثلاً کجا؟

تشکیلات خانه کارگر در تبریز هست و وظیفه اش دفاع از حق و حقوق کارگران است آیا به آنجا مراجعه کردید اگر جواب مثبت است نتیجه اش چه بوده؟

بله یک بار مراجعه کردیم و اطلاع دادیم ولی فردای آن روز سختگیرهای مدیر داخلی بیشتر شد . انگار در خانه کارگر آدم دارند و به آنها اطلاع دادند که ما چه اقداماتی علیه آنها انجام داده بودیم لذا نتیجه گرفتیم که تشکیلات خانه کارگر هم از حقوق ما دفاع نمی کند و بر علیه کارگراست.

من فکر می کنم این طور نیست.

چرا کاملاً همینطوره. هیچ یادم نمی رود ( این را که می گوید چشمه‌پایش پر از اشک می شود من هم تحت تاثیر قرار گرفتم و بغض گلویم را فشرد ، قدری ساکت شدیم سپس در حالیکه گریه می کرد ادامه داد ) بله یکی از کارگرا و همکارمان به نام محمد رضا رنجبر سال گذشته از شرایط سخت کار و نداشتن ایمنی فوت شد . یعنی

مثل هزاران قربانی دیگر مظلومانه کشته شد و مدیر داخلی ناصر پور رسول از طرف صاحبان کارخانه به منزل مقتول رفته با تهدید و ایجاد رعب و وحشت حق و حقوقش را پایمال کردند و آب از آب تکان نخورد و دو نفر به نامهای علی ابوالحسنی و علی علیپور بدون دریافت حق و حقوق از فرط سختی کار از شرکت بیرون رفتند .

می دانید که ما برای رساندن صدای اعتراض خود به گوش دیگر هموطنان و همچنین فعالین کارگری باید تشکیلات مستقل کارگری داشته باشیم و من و شما از این تشکلهای کارگری که نماینده راستین کارگران و مدافع حقوق آنها هستند حمایت کنیم و همکاری . با اذعان به اینکه قویترین اهرم که همان نیروی انسانی است دست کارگران است و با اعمال قدرت و اتحاد و پیوستن به فعالین صدیق کارگری نیل به مقاصد و دستیابی به مطالبات و از میان برداشتن موانع قانونی آسان خواهد شد و دور از انتظار نیست. آیا همینطور ه؟

بله قطعاً. اینها (صاحبان کارخانجات) حتی از اسم چنین تشکلهای وحشت دارند. بطوریکه اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگردرکل جهان به این روز و اتفاقاتی که در این روز افتاده بها داده و ارج می نهند ولی متأسفانه این روز را نمی گذارند کار را تعطیل کنیم به هر حال یک جورهایی می خواهند ما را بکشانند سر کار که مبادا فرصتی پیش بیاید که با فراخوانهای کارگری آشنا و با فعالین کارگری همصدا شویم ولی نمی توانند من و خیلی از کارگران امروز فهمیدیم که کسانی هستند که بی ادعا و گمنام از حقوق ما کارگران دفاع می کنند و به فکر ما هستند کافی است که ما آنها را بشناسیم و به آنها بپیوندیم و حمایت کنیم تا به خواسته هایمان برسیم .

به نظرم می آید که کارگران این شرکت باید به فکر تشکیل یک تشکل داخلی باشند نماینده خود را از بین خودشان انتخاب کنند و این انتخاب هر سال یکبار انجام شود؟  
بله حتما باید همین طور باشه .

راستی این همه از مدیران داخلی گفتی ولی از صاحبان کارخانه نگفتی . خوبند؟ بدند؟

البته نمی توانند خوب باشند چرا که مدیران داخلی از دستورات آنها پیروی می کنند ولی ما به طور مستقیم از آنها دستوری نمی گیریم یا مورد تنبیه یا تشویق نیستیم. بلکه آنها خودشان هم در مقابل این دو نفر مدیر داخلی که خودشان را همه کاره تلقی میکنند کاره ای نیستند.

چطوری؟

ساعت کار ما از ۷ الی ۱۴/۵ است به دستور مدیر داخلی ما ۶/۴۵ دست به کار می شویم تا ۱۴/۴۵ یعنی روزی نیم ساعت برای آنها کار می کنیم که مهندسین از این قضیه خبر ندارند .

از اینکه در این گفتگو شرکت کردید از شما متشکریم و برای شما آرزوی موفقیت و یک کار خوب دارم.

در آینده نزدیک از کارخانه اطلس پود و آیدین شعبه سعید آباد و نیز کارخانه های دیگر گزارشاتی تقدیم حضورتان خواهیم کرد.

شایان بهرنگ

۸۶/۶/۲۴

وبلاگ کارگر

سه شنبه سوم مهر ۱۳۸۶